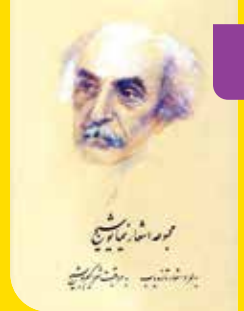


## با من سوخته در چه کاری؟

افسانه نخستین بدعت در شعر معاصر و نخستین گام برای متفاوت بودن

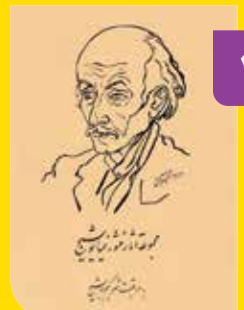
### مجموعه اشعار نیما یوشیج



۱

از نیما دیوان‌های مختلفی پس از مرگ او تا به امروز منتشر شده است، اما می‌توان به طور قطع گفت «مجموعه اشعار نیما یوشیج» به مراقبت شراکیم یوشیج یکی از بهترین‌ها است. در این اثر علاوه بر بازخوانی دوباره شعرها، تصویر دستخط نیما نیز که اساس ویرایش و تصحیح دوباره بوده، در انتهای کتاب آمده است. در این مجموعه، شعرهای تازه‌یابی نیز برای نخستین‌بار منتشر شده‌اند.

### مجموعه آثار منثور نیما



۲

«مجموعه آثار منثور نیما» اثری است به کوشش تصحیح و تطبیق شراکیم یوشیج (فرزند نیما یوشیج) و چاپ انتشارات رشدیه، پرتوهای نیما به قلم بهمن محمص، هانیبال الخاص، علی گلستانه و منوچهر معتبر نیز در کتاب است. این مجموعه در بردارنده چند داستان، نمایشنامه و سفرنامه از نیما است؛ داستان‌های «خر مشهدی احد»، «عروسک پس پرده»، «مسافرت دکتر چیلوندی» و نمایشنامه «خواهش می‌کنم» برای نخستین‌بار توسط این کتاب انتشار یافته‌اند.

### یادداشت‌های روزانه نیما



۳

«یادداشت‌های روزانه نیما یوشیج» به مراقبت شراکیم یوشیج کامل‌ترین مجموعه یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌های باقی‌مانده از پدر شعر نئی فارسی است. این یادداشت‌ها که پیش از این در قالب کتاب‌های مختلف و با کمبودها، نقص‌ها و ایرادهایی توسط ناشران دیگری منتشر شده بود، پس از سال‌ها با سعی و مراقبت فرزندش در کتابی کامل و شکل منتشر شده است.

### سریا داودی حموله

شاعر، منتقد و پژوهشگر

در شب تیره، دیوانه‌ای ک او  
دل به زنگی گریزان سپرده  
در دره سرد و خلوت نشسته  
هم‌چو ساقه گیاهی فسرده  
می‌کند داستانی غم‌آور (بند ۱ شعر افسانه)

تغییر ساختار و فرم ادبی ریشه در تحولات اجتماعی و تعاملات شاعر با جامعه دارد. در این جهت نیما یوشیج در برهه‌ای وزن شعر پارسی را شکست، که جامعه در وضعیت تاریخی باثباتی نبود. در انتقال حکومت از قاجار به پهلوی، فضای ادبی هم‌دگرگون شد. فضای ایستایی ادبیات سبب گشت تا شاعر آگاهانه ذهنیت سنتی را به چالش بکشد: «نیما یوشیج بانی و مبدع ساخت و تشکل در شعر پارسی است.»

اگرچه زمان زیادی طول کشید تا ارزش کار نیما برای جامعه ادبی مشخص گردید، اما آنچنان تأثیر بنیانی بر ساختار شعر پارسی گذاشت که خیلی از شاعران مطرح از راهیان راهش شدند و تحت‌تأثیر ذهن و زبانش قرار گرفتند.

نوزایی زبان نیما در تمام دوره‌ها اتفاق افتاده است. آنچنان که آثارش در سه دوره قابل بررسی هستند: در آغاز شاعری چهارپاره‌سرا و رباعی‌سرا بود، آگاهانه از کلاسیک‌سرایی فاصله می‌گیرد و اولین سنت‌شکنی‌اش با «افسانه» شروع شد. در این جهت سعی کرد تساوی وزنی را رعایت کند. البته در این برهه هنوز به شعر نیمایی نرسیده است، اما سعی داشته حداقل از شبیه‌نویسی‌های رایج فاصله بگیرد.

در دوره دوم، نخستین نوآوری نشان از آگاهی بیشتر شاعر با آثار سمبولیست‌ها می‌دهد. آنچنان که به گفته خودش آشنایی با زبان فرانسه سبب تحول فکری او گشته است. به‌طوری‌که بعد از شعر «ققنوس» از قیدوبند سنتی رها شد. با توجه به سال سرایش آن یعنی سال ۱۳۱۶ ذهنیت شاعر بین رمانتیک و سمبولیست‌ها است. دوره سوم، بعد از شهریور ۱۳۲۰ که دیکتاتوری رضاخانی فرومی‌ریزد، جهان‌بینی شاعر هم دستخوش آشوب و دگرگونی شد. سنگ‌بنای شعر معاصر را با اندیشه‌ای تازه بنیان نهاد. در زمینه ساختار محتوایی از رخداد و اتفاق‌های سیاسی و اجتماعی بهره برد و در حوزه معنا و فرم دچار تحول بنیانی گشت. شعرهای پادشاه فتح، مرغ آمین، آی آدم‌ها، از بهترین آثار اجتماعی او هستند. از این

برهه به بعد تا سال ۱۳۳۸ شاعر نیمایی است. اگرچه نیما تحت‌تأثیر شعر کلاسیک پارسی، «افسانه» را سرود، اما از منظر ساختاری از شاعران اروپایی نظیر مالارمه هم تأثیر گرفته است. در تلاش مستمر بود که ذهن عادت‌شده خواننده ایرانی را هم دگرگون کند. آگاهانه بنیاد و ساختار شعری کهن را به چالش کشید. نیما منظومه «افسانه» را در بیست‌وهفت‌سالگی سرود. برای نخستین‌بار بخشی از بندهای آن را در روزنامه «قرن بیستم» منتشر شد، که با توجه به تاریخ نگارش (۱۳۰۱) بیش از صد سال از سرایش آن می‌گذرد.

شعر «افسانه» ۱۲۷ بند و ۶۲۰ مصرع (سطر) دارد. هر بندی حداقل دارای پنج مصرع است؛ ترکیبی از مسمط، ترکیب بند و چهارپاره. افسانه براساس ارکان عروضی نوشته شده، و در حوزه فرم دچار تحول نشده است. اما بعد از هر بند، سطر غیرمقفی آورده می‌شود که ضربه‌نهایی شعر روی همین سطرهای آخر می‌چرخد.

در این منظومه مقفی و موزون و متخیل مصراع‌های کوتاه بلند براساس متفرعات بحر رمل (فاعلاتن فاعولن فاعولن) است و مصرع پنجم منفرد است:

ای فسانه، فسانه، فسانه!

ای خدنگ تورا من نشانه!

ای علاج دل، ای داروی درد

همرو گریه‌های شبانه

با من سوخته در چه کاری؟ (بند ۱۳ شعر افسانه)

وزن افسانه براساس ادراکات و احساسات درونی شاعر است. همه این بندها بر یک وزن هستند که سطر پنجم برای نیما مهم است که ضربه‌نهایی را به وزن وارد می‌کند و در هر بند ریتم شعر را تغییر می‌دهد. شاید بتوان گفت که «افسانه» اولین بدعت در شعر پارسی معاصر است، و نخستین گام برای متفاوت بودن. به‌واسطه حادثه‌ای که در زبان رخ داد، در شعر معاصر ایران اولین جرقه‌های دگرگونی ساختاری زده شد. آنچنان که بیشتر منتقدان آن را پیش‌زمینه شعر معاصر می‌دانند. در این راستا دکتر شفیع کدکنی می‌گوید: «افسانه، صدای تازه‌ای بود در فضای شعر آن روز، هم به لحاظ عاطفی و هم از نظر موسیقی.»

«افسانه» از بن‌مایه‌های رمانتیسم ریشه گرفته است. توامان ویژگی‌های شعر نو و کلاسیک را دارد. در همین جهت به گفته نیما «افسانه» را تحت‌تأثیر ذهن و زبان محتشم کاشانی سرود و هنوز از شعر سنتی (قالب کلاسیک) بریده نشده است. ناگفته نماند که محتشم در اجرای شعر از

شاعران موفق کلاسیک است. در واقع نیما فرم اجرایی و ساختار را از ادبیات کلاسیک ایرانی و مفاهیم را از سمبولیست‌های اروپایی می‌گیرد. منظومه «افسانه» ساختار نمایشنامه‌ای دارد. از دو روایت مجزا و چند خرده‌روایت تشکیل شده است. روایتی عصیانگرانه از آنچه نیست، و آنچه باید باشد. نیما در مقدمه آن نوشته: «من هم می‌توانم ساختمان افسانه خود را نمایش اسم گذاشته و جز این هم بدانم که شایسته اسم دیگری نبود؛ زیرا که به‌طور اساسی این ساختمانی است که با آن به‌خوبی می‌توان تئاتر ساخت»، اما افسانه روایت داستانی مستقیم ندارد، و پراکنده‌گویی بسیار سبب صحنه‌سازی‌های متفاوت شده است:

عاشقا! من همان ناشناسم

آن صدایم که از دل برآید

از خصوصیات شعرغنائی رمانتیک، وزن کوتاه و ساده است که به‌قول یحیی آربین‌پور «وزنی مترنم و رقصان» است که ساختار آن تنیده از احساس و عواطف درونی است، به‌طوری‌که شنونده از اوزان رها می‌شود، و به احساس و ادراکات درونی سراینده توجه دارد. در این راستا شعر «افسانه» محصول بی‌تابی‌های شاعر است. از جنون و شاعرانگی برخوردار است. هم از وزن مترنم بهره‌مند است، و هم احساس و عواطف بر تاروپود آن تنیده شده است. در این ساختار دراماتیک محاوره‌گویی، براساس گفت‌وگو (دیالوگ) شکل گرفته است. عنصر بسیار برجسته آن تغزل است. سرشار از مضامین عاشقانه، که نوآوری بدیع در ساختار و اندیشه دارد. از جهت دیگر رویکرد زبانی آن اعتراضی است، در این درون‌گرایی احساس تلخ و گزنده‌ای هست، تغزل و عاطفه در نگاه رمانتیک‌سرایی بروز کرده است. ذهنیت قصه‌گویی و رمانتیسم‌سرایی نیما سبب شکل‌گیری ساختار آن شده است. شاعر با خویش در ستیز است. به‌طور معمول رشته کلام به دست اوست؛ جدال بین شاعر (عاشق دیوانه) با افسانه (خدای مهر و عشق) به‌طور نوسانی بازنمایی می‌شود:

ای فسانه! رها کن در اشکم

کاتشی شعله زد، جان من سوخت

نیما در «افسانه» نگاهی را از آلود به هستی دارد، با بهره‌گیری از طبیعت سنت‌شکنی می‌کند. شکلی از اومانیزم را رمانتیسیسم می‌کند تا ذهنیت مخاطب را درگیر کند. «افسانه» براساس تصویرپردازی و نماد استوار است. نمادها ذهن مخاطب را فراتر از آنچه هست، می‌برد، و تصویرسازی‌ها در راستای رمانتیسیسمی است که قوه تخیل را در گستره بیشتری نمایان می‌کند.